



تهیه و تنظیم  
فرمانز ورکیانی

گفت‌وگو با

# پیشکسوت

## و معلم ورزش

ابوالقاسم رایگان



دوره هفتم // شماره ۲  
بهار ۱۳۸۷ // ۳۶

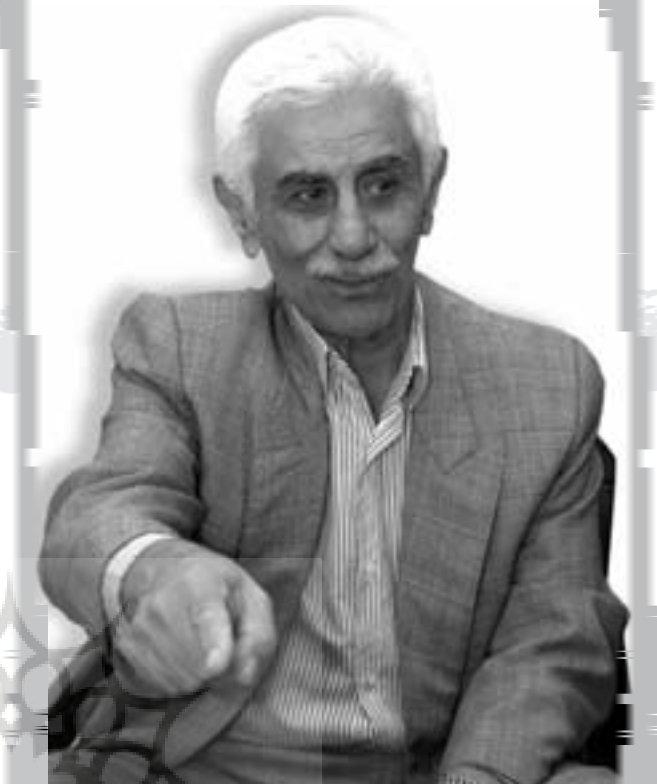
□ضمن تشکر از پذیرش دعوت ما برای گفت‌وگو و از فرصتی که به مجله‌ی «رشد تربیت بدنی» اختصاص دادید تا معلمان، با تجربیات معلمی شما از نزدیک آشنا شوند، به‌عنوان اولین سؤال بفرمایید، جناب‌عالی ورزش را از کجا شروع کردید و ورزش مورد علاقه‌ی شما چه بود؟

○ دوره‌ی ابتدایی را تا کلاس سوم در گرگان گذراندم. بعد از آن، به دلیل مأموریت پدرم، به رامیان که بخشی از گرگان آن زمان بود، رفتیم. آشنایی من با ورزش کشتی از رامیان شروع شد. در آن زمان‌ها، بچه‌ها هیچ وسیله‌ی بازی نداشتند و سرگرمی آن‌ها کشتی بود. در منطقه‌ی رامیان، نوعی کشتی متداول بود به نام کشتی ترکمن که شال بر کمر می‌بستند. من یک سال با بچه‌های آن منطقه کشتی می‌گرفتم و زمین می‌خوردم تا کم‌کم زمین خوردن را هم آموختم. وقتی مجدداً به گرگان برگشتم، من

اشاره

ابوالقاسم رایگان در سال ۱۳۰۹ در گرگان متولد شد. وی دوران کودکی را در گرگان و با ورزش کشتی آغاز کرد. در سال ۱۳۲۵، نفر اول کشتی آزاد و فرنگی استان مازندران و آماده‌ی اعزام به مسابقات قهرمانی کشور شد. وی در سال ۱۳۳۰، در مسابقات کشتی فرنگی آموزشگاه‌های تهران به مقام سوم رسید. در سال ۱۳۳۲، به عنوان دبیر ورزش دبیرستان‌ها، به استخدام آموزش و پرورش ساوه درآمد و در سال ۱۳۳۴، در اولین کلاس‌های مربیگری که در ایران برگزار می‌شد، شرکت کرد. پس از آن به کار مربیگری و داوری مشغول شد و به مدت ۱۴ سال، دبیری انجمن کشتی آموزشگاه‌های ایران را برعهده گرفت. به علاوه، به عنوان داور ممتاز بین‌المللی و مربی درجه یک انتخاب شد. بیشتر فعالیت‌هایش در دبیرستان‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها بوده است. کتاب او با عنوان «فنون کشتی»، در نوع خود بی‌نظیر است.

هدف از این گفت‌وگو، معرفی یکی از استادان قدیمی ورزش ایران، و معلمی دلسوز و صمیمی است که در گذشته برای ورزش کشور تلاش فراوان کرده‌اند و تجربیات گران‌بهایی به همراه دارند. باشد که تجربیات چنین استادانی، چراغ راه معلمان امروز ما باشد.



- تشویق معلم ورزش، مهم ترین اصل در ترغیب او به انجام هرچه بهتر کارش است

- معلمان ورزش می توانند برای ورزش کشور خیلی مفید باشند

- مسائل اخلاقی ورزشکار اهمیت زیادی دارد



مؤسس یکی از باشگاه‌ها، یکی از بزرگان دانش سرای آن موقع، آقای سیدین بود که الان هم زنده است و از معلمان من بود. برای رفتن به باشگاه باید سه تومان می دادیم که آن سه تومان را هم نداشتیم. ما با بچه‌ها یا در گود زورخانه یا در بیرون تمرین می کردیم.

در شهرستان‌های کوچک مثل ساوه، معلمی برد می کرد که کشتی می دانست. من همه‌ی ساوهای‌ها را زمین زدم و این باعث شد که مردم ساوه مرا به عنوان یک معلم خوب قبول داشته باشند. پنج سال در ساوه خدمت کردم. در سال اول، تیم کشتی ساوه را قهرمان استان مرکزی کردم که موجب تعجب همه شد. سپس مربی تیم کشوری آموزشگاه‌ها در تبریز شدم. البته در کلیه‌ی دوره‌های تحصیلی درس می دادم.

زمانی که معلم بودم، هیچ وقت دلم نمی خواست که ورزشکار من آبدارچی فدراسیون بسکتبال باشد. دوست داشتم

سال‌های آخر هم یکی دو معلم از خارج آوردند. ما فقط برای ورزش مدارس ابتدایی تربیت شده بودیم، اما چون کمبود نیرو داشتند، از من در دبیرستان‌ها استفاده می کردند.

□ شما قبل از این که معلم شوید، به چه ورزش‌هایی علاقه داشتید؟

○ ورزش‌های معمولی را انجام می دادم. در سال‌های دوم و سوم ابتدایی بچه‌ی ضعیفی بودم و همه مرا اذیت می کردند. در سال سوم دبیرستان بود که متحول شدم، به طوری که هیچ بچه‌ای از نظر جنب و جوش به پای من نمی رسید. همان طور که گفتم، کشتی من هم در رامیان شکل گرفت، زمانی که با بچه‌های روستایی کشتی می گرفتیم. در آن زمان در گسرگان، به زورخانه می رفتیم، ولی برای رفتن به زورخانه مشکل مالی داشتیم. ۵ زاری که باید کنار مرشد می گذاشتیم، نداشتیم و کمتر می رفتیم. بعدها باشگاه تأسیس شد.

کلاس ششم ابتدایی بودم که در مسابقات انتخابی قهرمان کشور شرکت کردم و در کشتی آزاد و فرنگی هر دو قهرمان شدم. قرار شد که به تهران بیایم، ولی چون سن کمی داشتم، پدرم موافقت نکرد. خلاصه این که علاقه‌ی من به کشتی از همان رامیان شکل گرفت.

□ در آن زمان که دانشکده‌ی تربیت بدنی نبود، معلمان ورزش چگونه تربیت می شدند؟

○ در آن زمان دانشکده نبود، ولی دانش سرا بود. من در سال ۱۳۳۰ به دانش سرای تربیت بدنی در تهران آمدم. در چند رشته‌ی ورزشی، مثل پرتاب وزنه، دو صد متر و غیره از ما امتحان گرفتند و ۱۹ نفر از جمله من، انتخاب شدند. آزمایشات جسمی و بدنی هم داشتیم. دو سال در شبانه‌روزی بودیم که جا دارد، از آقایان داود نصیری، مرحوم میمی، کاظم رهبری و مرحوم گل بابایی که از معلمان ما بودند، یاد کنم. در

همه ترقی کنند. مخصوصاً کشتی گیر من، اگر کشتی گیر نمی شود، آبدارچی هم نشود. به مسائل اخلاقی هم بیش از قهرمانی توجه داشتیم. اکثر شاگردان من که کشتی می گرفتند، الان افسر، استاد دانشگاه، دبیر یا وزیر شده اند. موفقیت من به این دلیل بود که من می خواستم بچه، هم درس بخواند و هم ورزش کند. به فکر آینده ی بچه ها بودم.

□ از دانش آموزان شما که الان پست دارند و برای خودشان کسی هستند، کسی را می شناسید؟

○ بله، مهندس علی اعظم مهدی پور که الان رییس هیئت کشتی استان مازندران و کارشناس دادگستری است، مهندس ستیری که کارخانه دار است، آقای دارا غزنوی که از مدیران شایسته ی پارس خودروست، و دکتر نقره کارشیرازی که هم استandar و هم استاد دانشگاه است. این ها وارد ورزش نشدند، ولی پست های مهمی را احراز کردند و افراد مفیدی هستند.

□ از خاطرات خوب و بدتان از دوران معلمی بگویید؟

○ یکی از خاطرات بد من این است که یکی از کشتی گیرانم در ساوه فوت کرد.

پدری به نام آقای موسوی دوست داشت که پسرش کشتی بگیرد، ولی درس بچه ضعیف و معدلش ۱۲ بود. به او گفتم که کشتی ورزش سنگینی است و بعداً هم این بچه ضعیف تر می شود. گفتم که باید درسش خوب شود. معدل این بچه بعد از دو سال ۱۵ شد و هر روز می آمد، کنار تشک می نشست و نمی توانست کشتی بگیرد. هر چند قبلاً آموزش هایی دیده بود، ولی بعدها خیلی پیشرفت کرد. من آن زمان به حضور و غیاب ها خیلی دقت می کردم و خانواده ها را در جریان می گذاشتم و توضیح می خواستم.

یک روز این پسر گفت، پدرم مأموریت است و من باید کاری برایش انجام دهم و برگردم. رفت و آخر تمرین آمد. من اجازه دادم، با یکی از دوستانش تمرین کند. در حین تمرین، موسوی سر خورد و به جای این که با بینی روی زمین بیاید، با بالای پیشانی آمد و به نخاعش فشار وارد شد. من هم معلم جوانی

بودم. گفتم: موسوی بریدی؟ گفت: نمی توانم بلند شوم. گفتم: تکیه کن به دست هایت و بلند شو. ولی دوباره افتاد. و من بی تجربه و بی خبر، این بچه را نشاندم، لباس به تشک کردم و کفش به پایش. در آن شهر هیچ وسیله ای نبود. بنابراین بچه را کول کردم و از باشگاه تا خانه که حدود هزار متر بود، آوردم.

دکتر آمد و سوزن به کف پایش زد و گفت به نخاعش فشار آمده. خلاصه، فشارهایی که در اثر لباس پوشیدن و حرکت دادن به او آمده بود، باعث شد که فوت کند. من الان یک معلم قدیمی هستم و از من دریغ می شود که بروم و این تجربیات را به جوان ها منتقل کنم. در مسابقات جهانی کشتی مسکو، کشتی گیر آمریکایی بدنش ضرب خورد و روز بعد که او را دیدم، از گردن تا نصف کمرش را گچ گرفته بودند. گفت که سه





مهره از مهره‌های گردنش شکسته بود. با مداوای پزشک او دوباره سلامت خود را باز یافت.

□ نصایحی که شما در آن زمان به ورزش دوستان و معلمان می‌کردید، چه بود؟

○ من یک معلم کشتی هستم. به کشتی‌گیرم گفتم، وقتی به خانه می‌روی، لباس کشتی و جورابت را خودت بشوی. وقتی خانواده‌ها این مسائل را می‌دیدند، متعجب می‌شدند و وقتی پرس و جو می‌کردند، می‌فهمیدند که معلم به آن‌ها گفته است. این‌گونه مسائل باعث نزدیکی من و خانواده‌ها می‌شد و آن‌ها مرا جزو خانواده‌شان احساس کردند.

خطاره‌ای از آن زمان‌ها برایتان بگویم. زمانی که من در ملارد معلم بودم، روزهای پنج‌شنبه و جمعه مسابقات دو میدانی به راه می‌انداختیم. یکی از شاگردان مدرسه خیلی شیطان بود و تمام مدرسه از دست او عاجز شده بودند. من برای این‌که بیشتر بتوانم روی او نفوذ داشته باشم و او را در اختیار بگیرم، یک روز گفتم: حسین من نهار به خانه نمی‌روم و به خانه‌ی شما می‌آیم. آن روز من و خانواده‌ی حسین با هم قیمة خوردیم و این قیمة طنابی شد به گردن حسین. هر کاری که می‌خواستم انجام می‌دادم و مدرسه‌ای که از دست او عاجز شده بود، آرام شد.

خطاره‌ی دیگری را برایتان بگویم. یک روز دیر به مدرسه رسیدم. بچه‌های کلاس ششم شیشه‌ی در ورودی مدرسه را شکسته بودند. روز بعد که به مدرسه رسیدم، مدیر مدرسه ماجرا را تعریف کرد و گفت که هیچ‌کس زیر بار نمی‌رود. من سر کلاس ششمی‌ها رفتم. شاگردان

بگذارند. بنابراین، اول باید تربیت بدنی انجام شود، بعد ورزش.

□ در گذشته بچه‌ها فکر می‌کردند که زنگ ورزش، زمان تفریح است. شما برای مقابله با این تفکر چه می‌کردید؟

○ در فرانسه، فیزیک دو ساعت در هفته است، ولی تربیت بدنی چهار ساعت. ما می‌خواهیم جامعه را سالم کنیم، پس باید به درس ورزش بیشتر توجه کنیم. زنگ ورزش نباید زنگ تفریح بچه‌ها باشد و به دلایل واهی نباید تعطیل شود. زمانی که من معلم ورزش بودم، زمین و امکانات لازم را داشتیم، ولی الان به دلیل گرانی، زمین و امکانات ورزشی محدود شده است و حیاط مدارس بسیار کوچک هستند. این موضوع برای بچه‌ها خسته‌کننده است که فقط یک حرکت را تکرار کنند. در ساوه، خوش‌بخانه ما زمین فوتبال ۸۵×۱۰۰ متری داشتیم. همه‌ی مدارس، دولتی و بزرگ بودند. ما حداقل یک زمین والیبال و بسکتبال داشتیم. در دبیرستان البرز، زمین والیبال، بسکتبال و تنیس داشتیم و ابدأ به دانش‌آموز اجازه نمی‌دادیم، جلسه‌ی ورزش را ترک کند. اگر بیمار هم بود، باید کنار زمین می‌نشست؛ مگر مواقع خاص.

من برای شرکت در کلاس‌های داوری به بلغارستان رفته بودم. در زنگ ورزش، در مدرسه‌ای دیدم که در یک

بزرگی بودند. گفتم من نیامده‌ام که ببینم چه کسی شیشه را شکسته و چرا شکسته است. این ۲۰ تومان سهم من. خواهش می‌کنم بروید و شیشه را ببندازید. ۲۰ تومان مرا پس دادند و نیم ساعت بعد شیشه را انداختند. مدیر هم تعجب کرده بود.

این‌ها نمونه‌هایی از روش‌های نزدیک شدن معلم به شاگردان است. همه‌ی کارها را با فشار و زور نمی‌توان پیش برد.

□ به‌جز مدارس ساوه، در کدام مدرسه‌ی دیگر مشغول به کار بوده‌اید؟

○ بعد از ساوه به تهران آمدم. سه سال در دبیرستان «البرز»، ۱۲ سال در دانشکده‌ی علم و صنعت، سه سال در دانشکده‌ی ورزش، و سه سال هم دبیر ورزش مدارس در قطر بودم. دو سه سال آخر هم در ملارد کرج تدریس کردم و در سال ۱۳۶۱ هم بازنشسته شدم.

□ از نظر شما، فرق بین «زنگ ورزش» در مدارس و «تربیت بدنی» در چیست؟

○ تربیت بدنی، سالم‌سازی جامعه است. یعنی شما ضمن آماده کردن بدن بچه، رفتار و کردار او را هم مورد توجه قرار می‌دهید و او را تربیت می‌کنید. تمام آن‌چه که در ورزش مطرح است و حتی همه‌ی قوانین، به این خاطر است که افراد جامعه بهتر زندگی کنند و به قوانین ورزشی و هم‌چنین قوانین اجتماع احترام



زمین ۱۰ هزار متری و در هوای سرد، شاگردان هر کدام یک وزنه و یک توپ فوتبال جلوی پایشان بود. آن‌هایی هم که مریض بودند، زمین را برای پرش کردن دیگران صاف می‌کردند. بچه باید ورزش کند و کلاس نباید سبک گرفته شود.

□ چه‌طور می‌شود، خانواده‌ها را راهنمایی کرد تا ورزش را جدی بگیرند؟  
○ خانواده‌ها و رسانه‌ها می‌توانند خیلی مفید باشند، ولی خود معلم اثر بیشتری دارد. من دو شاگرد داشتم به نام‌های افتخاری و فرقانی که زنگ ورزش و سر کلاس من نمی‌آمدند. در آن زمان، امتحانات ما چندین ماده داشت. خلاصه نمره‌ی امتحان آن‌ها ۵ شد. آن زمان اگر کسی معدل را نمی‌رساند، تمام دروس را تجدید می‌شد و این دو نفر، اگر ۷ یا ۱۰ از من می‌گرفتند، قبول می‌شدند، وگرنه تماماً تجدید می‌شدند. همه خواستند برایشان نمره بگیرند، ولی من ندادم؛ چون آن‌ها به ورزش علاقه‌مند نبودند. خوش‌بختانه در تابستان آن‌ها تغییر کردند. ورزش کردند و همه‌ی امتحانات را هم قبول شدند. وقتی معلم علاقه‌مند باشد، خانواده هم علاقه‌مند می‌شود.

چند خاطره‌ی دیگر را برایتان نقل کنم. یک وقت من یک تیم فوتبال شهر دیگری را به ساوه دعوت کردم. تمام خانواده‌ها به ما کمک کردند و لحاف و پتوهایشان را به ما دادند؛ یعنی در این خانواده‌ها هم به ورزش علاقه‌مند بودند. در جایی زمین فوتبال ما شیب داشت و اقدامی برای تسطیح آن نمی‌شد. من و بچه‌ها شهرداری را مجبور کردیم که آن‌جا را برای ما اصلاح کنند؛ البته به روش خودمان.

معلم باید کاری کند که بچه‌ها به

به دنبال پول نبودند. الان پول خیلی اهمیت دارد. من ساعت ۶ صبح از خانه بیرون می‌آمدم و ۹ شب به منزل می‌رفتم و تربیت بدنی فقط ۱۰۰ تومان در ماه فوق‌العاده به من می‌داد که ارزشی نداشت. ولی من دوست داشتم و همه‌ی وجودم را برای ورزش شهر گذاشته بودم. یک بار در ورزش آسیب دیدم، مرا با موتور بردند تا مداوا کنند. در راه موتور زمین خورد و پایم هم شکست. مرا بردند و به چهار میخ کشیدند تا استخوان‌هایم سر جایش برود. این هم از جمله آسیب‌هایی بود که من برای عشق به ورزش دیدم.

□ توصیه شما برای معلمان ورزش چیست؟

○ معلمان ورزش اگر ورزش را دوست ندارند، دنبال کار دیگری بروند و اگر دوست دارند، با تمام وجود کار کنند. اگر حقوق من کم است، دانش‌آموز چه گناهی دارد؟ او رسیدگی لازم دارد. سعی کنید دانش‌آموزان را علاقه‌مند کنید، به آن‌ها نزدیک شوند و با آن‌ها ورزش کنند تا دوستی ایجاد شود.

□ چه پیشرفت‌هایی تاکنون در زمینه‌های متفاوت ورزش در کشور داشته‌اید؟

ورزش رغبت پیدا کنند و بتوانند حق خود را بگیرند. همین الان هم گرچه چندسالی است در ساوه زندگی نمی‌کنم، اگر به آن‌جا بروم، مردم از من استقبال می‌کنند. حتی از من می‌خواهند به آن‌جا بروم، معلم شوم و امکانات در اختیارم قرار خواهند داد.

□ معلم ورزش چه‌طور می‌تواند از یک دانش‌آموز قهرمان بسازد؟

○ استعدادها در آموزش و پرورش خودشان را نشان می‌دهند و از دست معلم به تنهایی کاری ساخته نیست. باید بین آموزش و پرورش و سازمان تربیت بدنی هماهنگی و همکاری وجود داشته باشد. مثلاً قدراسیون کشتی باید فردی را به عنوان مسئول کمیته‌ی آموزش انتخاب کند و او هم چند نفر از افراد متخصص را که در این کار خیره هستند، برگزیند و باهم هماهنگ باشند، تا بتوانند در مسابقات آموزشگاه‌ها ناظر باشند و استعدادها را پیدا کنند. در همه‌ی ورزش‌ها این کار باید انجام شود.

□ ویژگی‌ها و شرایط یک معلم ورزش خوب چیست؟

○ به کار خود علاقه‌مند باشد و به ورزش عشق داشته باشد. در گذشته معلمان زیاد

مسابقات آموزشگاه‌ها به شکل گسترده در همه‌ی رشته‌ها برگزار می‌شود. سازمان تربیت بدنی و فدراسیون‌ها می‌توانند بر این مسابقات نظارت کنند و قهرمانان آینده‌ی کشور را بیابند و پرورش دهند. متأسفانه، یکی از مشکلات قدیمی ما این است که وزارت آموزش و پرورش و سازمان تربیت بدنی باهم همکاری نمی‌کنند. سازمان تربیت بدنی سرمایه دارد و آموزش و پرورش نیروی انسانی. این دو سازمان باید برای موفقیت در تربیت ورزشکار و ارائه‌ی آموزش خوب به همراه امکانات لازم، به هم نزدیک شوند.

□ چه موانع و مشکلاتی بر سر راه ورزش مدارس داریم؟  
○ محیط ورزشی برای کار باید آماده باشد. یعنی نمی‌توانید بگویید بچه را فوتبالیست می‌کنم، ولی نه توپ دارم نه زمین. باید امکانات را فراهم کنیم و معلم به کارش علاقه‌مند باشد و عشق بورزد. باید استعدادیابی شود و استعدادها زیر نظر گرفته شوند. آموزش و پرورش و تربیت بدنی باید باهم هماهنگ باشند و به کمک متخصصان، ورزش را تقویت کنند و آینده را بسازند.

آقای رایگان، مجله‌ی رشد تربیت بدنی را بسیار علمی و خوب توصیف کرد و گفت لازم است همه‌ی معلمان، مدیران و مسئولان و حتی سازمان تربیت بدنی، به دقت آن را ورق بزنند و مطالعه کنند. این مجله می‌تواند راهکارهای مثبتی برای پیشبرد اهداف آینده داشته باشد. از نظر وی، تشویق معلم ورزش، مهم‌ترین اصل در ترغیب او به انجام هرچه بهتر کارش است.

بود، از دور به من اشاره کرد که اخطار سوم را ندهم، ولی من دادم. ماسه نفر بودیم: من، مرحوم رئیسی و آقای شعبان خانی. وقتی رفتم نتیجه‌ی امتحانات را بگیرم، در کمال ناباوری دیدم که درجه دو شده‌ام و آن‌ها درجه یک شده‌اند. یعنی من به خاطر قاطعیت در کار و گوش نکردن درجه دو شدم. البته در سال بعد داور ممتاز دنیا شدم.

□ معلم ورزش چه طور می‌تواند با روش‌های روز آشنا باشد تا دانش‌آموزان را بهتر پرورش دهد؟

○ دانستن زبان انگلیسی یک امتیاز است. اگر هم بلد نیست، دنبال ترجمه‌ها باشد و از کمیته‌ی ملی المپیک و دیگر ارگان‌های ورزشی کمک بگیرد. کسانی که اهل علم نیستند، در ورزش پیشرفت نمی‌کنند.

□ آموزش و پرورش چه عملکرد مفیدی می‌تواند برای دانش‌آموزان و معلمان ورزش داشته باشد؟

○ از کسانی که باتجربه هستند، برای بازرسی استفاده کنند، امکانات ورزشی را فراهم آورند، ارزش‌یابی کنند، از معلمان موفق تقدیر به عمل آورند، و از نیروهای باتجربه، مثل استاد من، آقای داوود نصیری، استفاده کنند.

نیروهای تعلیم دیده را به خدمت بگیرند، و از تخصص نیروهای تحصیل کرده‌ی تربیت بدنی که الان کار اداری می‌کنند و تعهد خدمت ندارند که تعلیم دهند، استفاده کنند. فدراسیون‌ها نباید بگذارند که این نیروها هدر بروند.

□ فضای آموزش و پرورش ما برای تقویت ورزش قهرمانی کشور چگونه باید باشد؟

○ آموزش و پرورش در دوره‌ی دبیرستان مسابقاتی را برگزار می‌کند و الان هم

○ بیشتر اطلاعات من در زمینه‌ی ورزش کشتی است و پیشرفت‌هایی که این ورزش در کشور داشته است. اولین دوره‌ی مربیگری کشتی که تشکیل شد، من جزو شاگردانش بودم و دومین نفری در ایران هستم که کتاب کشتی نوشت. کتابم را به نام «فنون کشتی» در سال ۱۳۳۴ نوشتم که در سال ۱۳۵۴ تکمیل و چاپ شد. این کتاب را آموزش و پرورش چاپ کرد. دومین کتاب «گنجینه‌ی فنون کشتی» نام دارد که توسط «کمیته‌ی ملی المپیک» در ۲۰۰۰ جلد به چاپ رسید. فیلا (FILA)، ضمن تقدیر از این اثر، پیشنهاد کرد که آن را ترجمه کنم.

کتاب سومی هم در زمینه‌ی کشتی در دست چاپ دارم که فکر می‌کنم، آبان‌ماه ۱۳۸۶ به چاپ برسد و در واقع، جلد دوم گنجینه‌ی فنون کشتی است. البته در این کار آقایان افشارزاده، دکتر ابراهیمی و آقای قره‌خانلو خیلی زحمت کشیدند تا اجازه‌ی چاپ دادند. البته با این کار می‌خواستم به جهان ثابت کنم که کشور من هم صاحب کشتی است و این هم سند آن.

□ یکی از خاطرات خوب دوران داوری خود را نقل کنید.

○ من در داوری بسیار سخت‌گیر هستم. کشتی‌گیر باید در وقت کشتی با تمام وجود کار کند و در قضاوت هم خیلی صادق برخورد می‌کردم؛ به دور از حاشیه و طرف‌داری از افراد خاص. علی (ع) الگوی من در داوری بود.

در فرانسه در مسابقه‌ای، دانیل روبن فرانسوی که قهرمان المپیک و جهان بود، داشت کشتی می‌گرفت، ولی فعال نبود. اخطار اول و دوم را دادم و موافقت شد. رئیس کمیته‌ی داوران دنیا که فرانسوی